روزگار یک داوطلب

تخریب کبری

● معتادانی کـه به تخریب خـود و دیگران عادت کرده‌اند، برای فرار از بیماری دهشـتناک اعتیادشان، نیاز به فضایی برای اعتراف در اَشـکال گروه درمانی دارنـد. ۲۰ساله بود کـه یافتیمـش. آواره در میان بیابان‌های قرچک. لخت و عور، با سـر و وضعی پر از شپش و گال که حیران میان زباله‌ها و اسقاط اجناس شهری، می‌گشـت و از این‌سو به آن‌سو خمار و نشئه می‌افتاد و بلند می‌شد. با آن قدِ سوخته که با «کبرا»ی اسـمش هم‌خوانی نداشـت، چهارمیـن فرزندش را باردار بـود. هبوط قیامتی می‌آمد بر دشـت‌بودنِ بی‌خبـران. ژولیدگی وضعش، گرسـنگی دائمش و کودک درراهش، چنگ وجودمان شـد. او را آوردیم، جایـش دادیم و پناهش و سـرش را از شـرِ موهای به‌شـپش‌افتاده‌اش رها کردیم. در تاسِ تراشـیدگی سرش هنوز شـپش‌هایی به قدمت ۱۲سال اعتیادش بودند که در زیر پوست، لانه کرده و انگار می‌خواستند خود را به اسـتخوان جمجمه‌اش برسانند. نخستین فرزندش را در ۱۴سـالگی با کفِ غربتِ کوچه تقسیم کـرده بود و به پـول ناچیز افیون، چـوب حراج زده بـود. فرزند دوم و سـومش را در مدت چهار سـال از پـی هم به دنیا آورده بود. تصمیـم کبری این بود که فرزندانـش را برای گدایی اعتیـادش پیش خود نگه دارد و ارزان نفروشـد. روزی که او را پیدا کردیم می‌خواست فرزندان گرسـنه‌اش را آتش بزند. انگار که دیگر در بـازار ترحم، کودکان سـوءتغذیه‌ای‌اش از سـکه افتاده بودند. چندماهی پیش ما بود. جانی گرفته بود و رنگ‌وبویی. قصدم این شد تا با روش‌های دست‌وپاشکسته تئاتردرمانی اندکی از دردش بکاهم و در پاکـی نیم‌بندش از مواد، کاری کنم که تخریبش را به اعتراف بیاید؛ شـاید روحِ‌مُردگی‌اش درمان شود و خود را به شکل انسانی قابل احترام بیابد. دو فرزند دیگرم را نیز به کنار او آوردم؛ میلاد ۱۴سـاله و جواد ۱۶سـاله. یکی که اسـتخوان لگنش از فـرطِ تجاوز شکسـته بود و آن دیگری که از شـدت آسـیب‌های دوران کودکـی، عـادت خون‌بازی داشـت و دائم بر صورتش تیغ می‌کشـید. هر دو نیز سـابقه سـرقت مسلحانه و اعتیاد داشتند.

دوش‌هایم می‌شکسـت. می‌خواسـتم آنها را به بازی بگیرم تا آرامشـان کنم، اما خود، اسیر بازی رنج آنان شـدم. هربار جواد چاقویی بر جسـمش می‌زد کـه بر روح و جان من نیز می‌نشسـت. یک‌بار در یک فرصت سـاده پشـت‌کردن به او، چاقوی نمی‌دانم ازکجـاآورده‌اش را بـر صورتـش فرو کـرد و دهان خودش را شکافت. همه هستی‌ام آن روز سوخت که کبـری با وجدان خودش ملاقات کـرد و بعد از چند مـاه تمرین، مرا عمو خطاب کـرد؛ چه قیامت تلخی بود. بر کف صحنه سـالن تئاتـر جمعیت امام علی (ع) نشسـت، انگار مقابل چشمانش دو فرزندش را می‌دیـد. می‌گفت پولی که برای غـذای این دو بچه گدایی می‌کردم، خرج موادم می‌شـد و به‌جای غذا... بر سر کلمه «غذا»، دسـتان لرزان کبری بر کف زمین چنگ شـد و مشـت خاکی را به خیالِ دست گرفت و به بـالای دهان کودکـش آورد و درحالی‌که برای من توضیح مـی‌داد، در مقابل فریادهای گرسـنگی نـوزادش، خاک را بـه میان دهان کودکش پاشـید. هنوز جنون دستانش که خاک را در دهانِ وهمِ نوزاد فـرو می‌کرد، به یـاد دارم. نوزاد، خاک را با اشـکش فروخورده و به‌اجبار، آرام گشـته بود. کبری سرش را بالا آورد و با نیلِ اشکش، فرعونِ وجود مرا غرق کرد تا به راهی که برای کودکان و زنانِ سرزمینم شده‌ام، از تخریب هیچ دشمنِ معتاد به تاریکی توهین و تهمت و تهدید نترسـم؛ آنجا که دهـانِ کودکی به خواب و غفلتِ اعتیاد، با خاک پُر می‌شود، حتم دهانِ دشمنان این راه نیز، به قیامتی به خاک بسته خواهد شد.

استاندار خوزستان در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد

نگرانی روحانی برای سد گتوند

تالاب هورالعظیم در یکی، دو سـال پایانی دولت یازدهم حاشـیه‌های زیـادی را به خود دید. از طرفی دولت و سـازمان حفاظت محیط زیسـت تأکید می‌کردند که بخش‌های زیادی از آن- بیشتر از ۷۰ درصد تالاب- آبگیری شده؛ اما از آن سـو مخالفان با جدیت تأکید می‌کردند که این اتفاق رخ نداده و مشـکل همچنان به قوت خود باقی اسـت. مسـئله هورالعظیم ازاین‌رو اهمیت دارد که می‌تواند یکی از منشأهای بزرگ تولید گردوغبار باشد. واقعیت تالاب هورالعظیم به چه شکلی اسـت و وضعیت آن الان چگونه است؟

واقعیت این اسـت که حجم و قسمت زیادی از هورالعظیـم آبگیری شـده و حجـم ورودی آب به تـالاب در مقطعی، مثلا حـدود یک‌ونیم ماه پیش و شاید کمتر به ۸۰ مترمکعب بر ثانیه رسید. این حجم بسیار زیادی است. تقریبا به اندازه یک رودخانه بزرگ است. در حجمی بود که ما دریچه‌ها و کالبرت‌هایی را که در دایک مرز به سمت عراق می‌رود، باز کردیم؛ چون اگر باز نکرده بودیم، دایک را می‌شکسـت. این حجـم آب آن‌قـدر بود کـه یکی، دو چـاه نفت که حدود دوهزارو ۵۰۰ بشکه در روز تولید نفت داشتند و بعضـی جاده‌های بین این چاه‌هـا زیر آب رفت و تخریب شـد، در حـدی آب ورودی به تالاب بالا بود که ما آنجا یک یادمان شهدا داریم به نام یادمان هور برای شهید علی هاشمی که دیگر امکان بازدید از آن وجود نداشـت. فرمانده سپاه استان، همراه با خودم که بـرای بازدید آمدند و دیدند که جاده دسترسـی به این یادمان در مرز خطر اسـت، آن را از محل‌های بازدید کاروان‌هـای راهیان نور در فروردین‌ماه خارج کردند؛ چون نگران شـدند که این جاده ممکن است یک‌دفعه بشـکند و مشـکلاتی را پیش بیاورد. چون آب ورودی خیلی زیاد بود، ما دریچه‌های به سـمت عراق را هم باز کردیم و آب به سمت بخش‌هایی از تالاب در عراق رفت.

واردشـدن این آب در بازگشـت حیات به تالاب هم اثری گذاشت؟

بله، صددرصد، در همین مدت ما به حدود ۳۶۰ ماهیگیر مجوز دادیم که در مقاطع خاصی از تالاب ماهیگیری می‌کنند.

یعنی پیش‌ازاین امـکان ماهیگیری در این حجم در هورالعظیم نبود؟

نه نبوده؛ چون خشـک بود. این نی‌هایی که رشد کرده، همه مشـخص است. پاسگاه‌های مرزی ما در معرض آسـیب بوده که ممکن بـود دیوارهای آنها بشـکند و آسـیب ببیند و از بین برود که من شرکت نفـت را موظف کردم که صورت‌جلسـه آن موجود اسـت که حدود دو میلیارد تومان هزینه کند و خاک و سنگ بیاورد و حفاظ درست کند تا این پاسگاه‌های مرزی آسیب نبینند و مرزبان‌های ما بتوانند آنجا کار کننـد. من چند بار رفتم. هم مدیرکل اطلاعات و هم فرمانده سـپاه و هم فرمانده مرزبانی اسـتان، همه همراه با من بودند. مدیرعامل شـرکت مهندسـی و توسعه نفت و دوستان نفت همه با من بودند. آنجا فرمانده مرزبانی نشـان داد که قبلا پاسگاه مرزی ما یک کیلومتر عقب‌تر بود، سـاختمان‌ها را نشان داد. بعد که تالاب خشـک شـد، جلوتر آمدند و پاسگاه جدید احـداث کردند؛ همین پاسـگاهی که الان در معرض آسیب است. به من گفت چون تالاب خشک شـد، آمدیم اینجا زدیم. می‌گفت تصـور ما این بود که وضعیت تالاب همیشه همین‌طور می‌ماند. حالا شـما آمده‌اید و آب را رها کرده‌اید؟ به شوخی گفتم مجدد برگردید عقب. گفت نمی‌شـود. ساختمانش خراب شده و مشکل دارد. باید همین‌جا را محافظت کنیـم و بمانیم. ایـن موارد را گفتم کـه عرض کنم حـدود ۷۷ درصد تالاب هورالعظیم، طبق عکس‌ها و نقشه‌های ماهواره‌ای آبگیری شده.

براسـاس آمار خوزسـتان امسال ۴۰ درصد کاهش بارش داشته. این آبی که با آن تالاب پر می‌شود، از کجا تأمین شده است؟

می‌دانیـد کـه رودخانه‌هـای خوزسـتان رودخانه‌های عظیمی اسـت که از سرچشمه‌های مختلـف خارج از اسـتان می‌آیـد. در حوضه‌های آبریز این رودخانه‌ها، بارندگی بد نبوده، خوب بوده. در ارتفاعـات زاگرس هم ریزش بـرف خوب بوده، هم بارندگی خـوب بـوده. چهارمحال‌وبختیاری، اسـتان‌های بالاتر در کردستان و در کرخه کردستان و همدان. این آب‌ها می‌آید پشـت سدهای عظیمی کـه ما داریـم، کرخـه، کارون ۳ و کارون ۴، گتوند، شهید عباسپور، مسجدسـلیمان. آب از آنجا منتقل می‌شود.

امـا منتقدان می‌گویند اگر هـم هورالعظیم مقداری آبگیری شده به این دلیل بوده که بارش در استان خیلی خوب بوده؟

نه، بارش امسـال که خیلی افتضاح بود. امسال یکی از بدترین سـال‌های ما بوده و براساس آمارها مشخص اسـت خوزستان بیشـترین میزان کاهش بارش را در کل کشور داشته است.

برای بقیه زمین‌ها و قسـمت‌های اسـتان خوزسـتان که کانون‌های بزرگ و داخلی گرد و غبار هسـتند، مثل دشت‌های اطراف ماهشهر و رامشـیر و جاهای دیگر، برای آنها چه اقداماتی انجام شده است؟

الان ما در حوزه بین اهواز و ماهشـهر و اهواز و رامشـیر که جزء کانون‌های اصلی است، اقدامات و برنامه‌های خود را شـروع کرده‌ایم و تاکنون شش هزار هکتار را زیر کشت نهال بردیم.

چه نهال‌هایی برای کاشت استفاده می‌شود؟

نهال‌هایی که خود منابع طبیعی و کمیته فنی که متشکل از استادان دانشگاه شهید چمران و محققان و اساتید سازمان جنگل‌ها و مرکز تحقیقات جنگل‌ها و منابع طبیعی و کارشناسان محیط زیست خوزستان هسـتند، آنها را تأیید می‌کنند. نهال‌هـا و گونه‌های گیاهی‌ای که مقاوم هستند و به آب کمی نیاز دارند و رشدشان هم سریع است. یعنی یکی، دو سال آبیاری می‌شـوند بعد دیگر به آب نیاز ندارند. حدود شش هزار هکتار تا الان زیر کشـت بردیـم. برنامه ما این است که ان‌شاءالله امسـال مساحت زیر کشت نهال را به ۴۲ هزار هکتار برسانیم.

بـا توجه به فصل گرما در خوزسـتان آیا کار الان متوقف شده است؟

بله، از مهرماه شروع می‌کنیم. الان همین شش هزار هکتار را آبیاری می‌کنیم. مصوبه دولت است که در پنج سـال ۳۵۰ هزار هکتارش انجام شـود. البته همه برنامه فقط نهال نیسـت. جاهای کشت نهال اسـت. جاهایی ممکن است مالچ‌پاشی باشد. جاهایی لازم است رهاسازی آب باشد. اما بیشترین مسـاحت کار همین نهال‌کاری اسـت، بالای ۱۵۰-۲۰۰ هزار هکتار قرار اسـت نهال‌کاری شود. ما الان یک تونل کانال آب می‌زنیـم از کارون، ۴۷ کیلومتر به عـرض ۵۰ متر به عمق ۱.۵ متر که آب را به این کانون‌های فعـال ریزگرد منتقل کنیـم. تقریبا الان بیست و خرده‌ای کیلومتر آن حفر شده است. کارگاه عظیمـی برای این کار تجهیز شـده اسـت. حدود ۳۰۰ دستگاه ماشـین‌آلات آنجا کار می‌کنند که ۱۱۰ دستگاهش بیل مکانیکی است.

چقدر از کل کار باقی مانده است؟

حدود ۲۰ کیلومتر.

در مجمـوع چقدر بودجه بـرای این پروژه گذاشتید؟

الان بـرای وضعیـت اضطراری کـه دولت در بدترین شـرایط بود ۳۰ میلیارد تومان داد و شـروع کردیـم. امسـال در بودجه پیش‌بینی شـده، برای بیابان‌زدایـی ۳۰۰ میلیارد تومان و صد میلیون دلار هم از صندوق ذخیره.

این میزان بودجه فقط برای خوزستان است یا بودجه بیابان‌زدایی کل کشور؟

عمده آن برای خوزسـتان است. مصوبه دولت است که ان‌شاءالله در پنج سال، حداقل صد میلیارد تومـان برای این کار اختصـاص دهد که ۳۵۰ هزار هکتار را پوشش دهند.

مسـئله محیط زیسـتی مهم دیگر اسـتان خوزسـتان، سـد گتوند اسـت کـه در حوضه اسـتحفاظی اسـتان شماسـت. حواشـی و داستان‌های بسیاری هم به دنبال داشته است. آخریـن وضعیت آن چگونه اسـت؟ چون هم ابراز نگرانی و هم بی‌خبری درباره این سـد زیاد است، آخرین تصمیم درباره‌اش چیست؟

در سـد گتوند الان مـا مدیریت مخـزن انجام می‌دهیم. می‌دانید مدیریت مخزن چیست؟

یعنی آن سـازه نمکی را کنترل می‌کنید که به همه مخزن نرسد؟

نه، مـا با مدیریت مخـزن، آب خروجی را اداره می‌کنیـم. یعنی ما مدیریـت می‌کنیم که آبی که از سد گتوند خارج می‌شـود ای‌سی آن، یعنی درصد شـوری در آب آن بالای هزارو ۲۰۰ نباشـد، حداکثر هزارو ۳۰۰ نباشد. یعنی طراحی می‌کنیم چه مقدار از آب با ای‌سـی خیلی بالا، مثـلا صدهزار در ثانیه خارج شـود. چه مقدار از آب وسـط خارج شـود. چه مقدار از آب بالا خارج شـود. اینها مخلوطش، ای‌سـی خروجش بین ۹۰۰ تا هزارو ۳۰۰ باشد. الان با مدیریت مخزن، آب خروجی را مدیریت می‌کنیم.

برنامه کلی و همیشـگی هم برای آن همین است؟

یکی از راهکارها همین است. برنامه درازمدت‌تر دیگـری هم داریم. من در اولین دیـداری که بعد از اسـتانداری خدمت آقای رئیس‌جمهور داشتم، یکی از سـؤالات اصلی خود ایشـان از بنده درباره سـد گتوند بود. پرسـید سد گتوند در چه وضعیتی است، چه می‌شـود؟ چـکار می‌کنید؟ چکار بایـد بکنیم؟ من توضیحاتی دادم در حد اطلاعم. ایشـان بیشـتر توضیح خواست.

یعنی ایشان هم نگران بود؟

بله، به من گفتند حتما بررسی کنید و فوری هم گزارشـی برای من تهیه کنید. بعد از اینکه دیدار ما تمام شـد، آقای نهاوندیان به من نامه نوشت، پنج مسـئله در آن جلسه طرح شـده بود و درباره آنها بحث شـده بود. گفت این پنج مورد را شما بنا بود آماده کنید و آماده کنید.

ادامه در صفحه ۱۷

صدرا محقق

استان خوزسـتان نه‌فقط به لحاظ منابع زیرزمینی و نفت از مهم‌ترین و اسـتراتژیک‌ترین استان‌های ایران اسـت؛ بلکه به لحاظ موضوعات محیط‌زیستی، منابع آب، کشـاورزی و... هم به همین میزان واجد اهمیت و حساسیت است. بیشـترین تعداد رودخانه‌های پرآب سرچشمه‌گرفته از فلات ایران و همچنین کشورهای همسـایه درنهایت یا از دل این استان یا از مرزهایش عبور کرده و به خلیج فارس می‌ریزند؛ بااین‌حال همین موقعیت و داشته‌ها برای خوزستان از زاویه‌ای دیگر به عاملی برای مشکل و بحران بدل شده است. به‌عنوان مثال سدهای پرشمار و بزرگی که در این استان (یا بر روی رودخانه‌های منتهی به آن) ساخته شده و همچنین برخی پروژه‌های انتقال آب، منجر به خشکی و کم‌آبی رودخانه‌ها، کاهش رطوبت خاک استان و خشک‌شدن تالاب‌ها و زمین‌های آبرفتی حاصلخیز و همچنین بروز مشـکلات بزرگ زیسـت‌محیطی مانند گردوغبار و... شـده است. از سویی دیگر واقع‌شدن خوزسـتان بر مرزهای غربی کشور و در همسایگی عراق و نزدیکی این اسـتان به کشـورهای بیابانی و کم‌آب منطقه باعث شده اسـت بخش زیادی از بار مشکلات محیط‌زیستی ایجادشده در این کشورها هم روی دوش این استان بیفتد. براساس‌این به سراغ غلامرضا شریعتی، استاندار این اسـتان، رفتم تا با او درباره همین موضوعات محیط‌زیسـتی و آخرین وضعیت خوزستان از این منظر گفت‌وگو کنم. شریعتی درسـت یک سال پیش و در آخرین روزهای خرداد سـال ۹۵ با تأیید هیئت دولت یازدهم به این سمت منصوب شـد. در این گفت‌وگو درباره سد گتوند، تالاب هورالعظیم و معضل گردوغبار استان از او سؤال کرده‌ام.

یادداشت

در ساحت فرشتگان کوچک بی‌تقصیر

سیدحسین مهرآوران*

● **پرده اول**

یک ماه از تابسـتان گذشـته و سـومین کودک غرق‌شـده را بـه اورژانس بیمارسـتان آورده‌اند. راجع‌به یکـی از شـهرهای شـمالی نمی‌گویم؛ اشـتباه نکنید. شـهری کوچک و مرزی در استان سیستان‌وبلوچسـتان. برخلاف خشک‌سـالی‌های اخیر در منطقه سیسـتان و آسـیب انکارنشـدنی آن بر کشـاورزی و معیشت سـاکنین، بارش‌های بیشتری نسـبت به سال‌های گذشته را در ماه‌های پیشین شـاهد بوده‌ایم و زمین‌های عمدتا خشک کشاورزی دیگربار پوششی سـبز را بر تن کرده‌اند. هیجانِ نـگاه این مردم و تلاش بی‌پایان‌شـان در گرمایِ توان‌فرسـای تابستان برایم ستودنی است. نتیجه ایـن بارش‌ها نهرهای کوچکی اسـت که دوباره جان گرفته‌اند و از آبشـخور آن دشـت‌ها سیراب می‌شـوند. این فرصت همچنین تهدیدی اسـت برای کـودکان خردسـال پرورش‌یافته در مناطقـی کم بهـره از آب و آبادانـی که بی‌بهانه تن بـه آب می‌زنند و خود را رهـا می‌کنند. آری! سومین کودک غرق‌شده را به اورژانس بیمارستان آورده‌انـد؛ بـدون علائـم حیاتـی. همکارانم به همراه متخصص بی‌هوشی، عملیات احیا را آغاز کرده‌اند؛ اما من توان آن را ندارم با نگاه این کودک روبه‌رو شوم.

این سـاحت (حضور بر بالین فرشتگان کوچکِ معصوم و بی‌رمق) برای من سـاحتی اسـت که قلبم را تـا نخسـتین روزهای زندگـی کوچک و بغضـی بی‌امـان لحظه‌هایم را سـخت‌تر از هر لحظه می‌کند. کودک به تلاش همکاران پزشـکِ اطفال، بی‌هوشـی و تیم احیا باز می‌گردد و برای ادامه درمـان به مرکزی با امکانات بیشـتر اعزام می‌شود. با خود می‌اندیشـم ای کاش بهار زیبا و سـبزش مانند زمین‌های سبز اما رو به خشکی‌زده این مردم پژمرده نشود.

● **پرده دوم**

چهار سـال و شـش ماهه اسـت و در واحد مراقبت‌های ویژه جراحی بسـتری اسـت. عمل جراحی برداشـت توده ریوی را پشت سر گذاشته اسـت و درحالی‌که رنگ‌پریده و نگران است، نگاه مادرش را دنبال می‌کنـد و با محرک‌های کوچک خارجی حتی، اشـک در چشمانش حلقه می‌زند. به سـوی امیر مـی‌روم؛ پیشـانی‌اش را به آرامی نوازش می‌کنم و کمی بـا او صحبت می‌کنم. دو سال و سـه ماهه بوده اسـت که با توده شکمی و تومور ویلمز عمـل جراحی را تحمل کرده و به دنبال آن شیمی درمانی شده. برای چند ماه بدون علامـت بوده اسـت تا آنکه بروز علائم تنفسـی، تشـخیص متاسـتاز ریوی را به دنبال داشـته و با توجه به شـرایط عمومی کاندیدای عمل جراحی شـده اسـت. از او فاصله می‌گیرم اما نمی‌توانم از ایـن کودک چشـم بردارم. به فرشـتگان پاک و کوچکی می‌اندیشـم که لحظاتی تلخ و سـخت را هـر روزه تجربه می‌کنند و مسـئولیتی که من/مـا برای بهبـود شـرایط جسـمی و عاطفی این کودکان برعهده داریم. مبتلایانِ کوچکِ بی‌تقصیر سـرزمین‌مان را از هـر آنچه می‌توانیـم بی‌بهره نکنیم...

*متخصص داخلی، فلوشیپ ریه

جدول ۲۸۶۵ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- بـه نزدیکـی گره‌هـای فرش گفته می‌شـود- آتـش رخسـار گل خرمن... بسـوخت- طبقـه‌ای از سـاختمان ۲- پایتخت سوازیلند- روی هم جمع‌کردن ۳- چوب‌تـراش- اشـتباه- صـوت اندوه و افسـوس ۴- ذره باردار- سـوراخ- شـب پیـش‌رو ۵- پایتخت بنـگلادش- فیلـم نقاشـی متحـرک- بدن بی سـر! ۶- اول- پشـتکار- پای از کار افتـاده ۷- نوعی پرانتز- شهرسـتانی در آذربایجـان شـرقی- چیـن و چروک پوست ۸- وسـیله کمک حرکتی کودکان نوپا- آرزوها ۹- شهر قنات و قنوت و قناعت- دینداری- دیگ سنگی ۱۰- نوعی بیماری التهابـی حاد- زبان عربی- مصباح ۱۱- محکم کردن- مانع تابش آفتاب- روحانی زرتشتی ۱۲- عاشق- از راست به چپ- قوم مغول ۱۳- کشتی جنگی- باعث و موجب- لقبی در هندوستان ۱۴- اولین گنجینه تخصصی و دائمی سکه و اسکناس در ایران- خودکامگی ۱۵- سخاوتمند- شگفتی- تخت سلطنت.

عمودی:

۱- درسـت دانسـتن سـخن یا عملی- اختلاط- پرمصرف‌ترین چاشنی غذایی ۲ - گریز حیوان- کلیسای قدیمی اصفهان- سـاده لـوح ۳- کنایـه از به زندان افتادن اسـت- نوعی مسلسل دستی سبک ۴- سرمایه جاودانی اسـت- پایتخت نروژ- صورت پنجم از صور فلکی - همدست بی‌دسـت! ۵- امر فقهی که ترک و انجام آن مساوی است- شیرینی میوه‌ای- تپه باستانی آتن ۶- خاموش‌کردن- شک و تردید- صفیر ۷- ریشه- محنت- واحد شـمارش بسته‌بندی برنج- قورت دادن غذا ۸- له شـده- رفیـق منحرف و گمراه ۹- گلشـن- فانی و ناپایدار- فرورفتگی وسـط شـکم- دشمن آتش ۱۰- عدسی- گوهر بی‌همتا- بیماری ناشی از تجمع اسید اوریک در خون ۱۱- خنده‌رو- روسـتای زادگاه هوشـنگ مرادی‌کرمانـی- انجمن بین‌المللـی هواپیمایی جهان ۱۲- نشـانه جمع فارسی- بازی طاس و مهره- بزرگوار- مقابل اختیار ۱۳- آشـفته و پریشـان- بازیگـر زن فیلم مالیخولیا ۱۴- مسـئول کتابخانه- میل و خواست قلبی- دست‌نخورده ۱۵- تخصصی- وسیله‌ای برای اندازه‌گیری زاویه- چاک خورده.

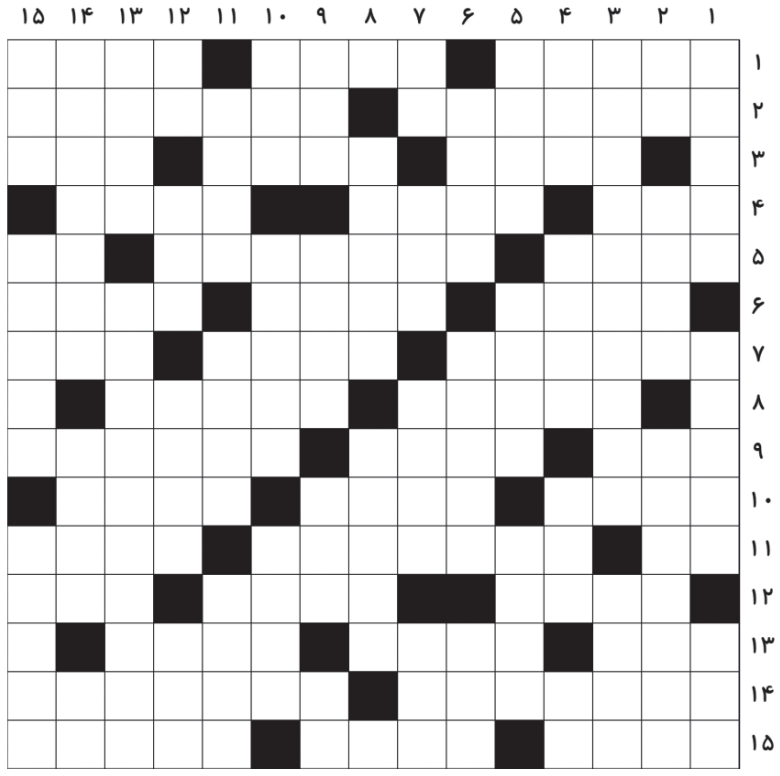

حل سودوکو سخت

۴	۵	۲	۸	۶	۳	۷	۱	۹
۹	۶	۱	۲	۷	۵	۸	۴	۳
۸	۷	۳	۹	۱	۴	۲	۶	۵
۶	۸	۴	۱	۲	۹	۳	۵	۷
۳	۲	۵	۷	۴	۸	۱	۹	۶
۷	۱	۹	۳	۵	۶	۴	۸	۲
۵	۹	۷	۴	۳	۱	۶	۲	۸
۱	۳	۸	۶	۹	۲	۵	۷	۴
۲	۴	۶	۵	۸	۷	۹	۳	۱

حل سودوکو ۱۸۶۰

۲	۷	۴	۳	۹	۸	۵	۱	۶
۳	۱	۸	۶	۵	۲	۹	۷	۴
۵	۶	۹	۴	۱	۷	۳	۸	۲
۷	۸	۵	۹	۶	۱	۴	۲	۳
۴	۳	۶	۲	۷	۵	۱	۹	۸
۹	۲	۱	۸	۴	۳	۶	۵	۷
۸	۹	۲	۵	۳	۶	۷	۴	۱
۶	۴	۷	۱	۲	۹	۸	۳	۵
۱	۵	۳	۷	۸	۴	۲	۶	۹

جدول ۲۸۶۴

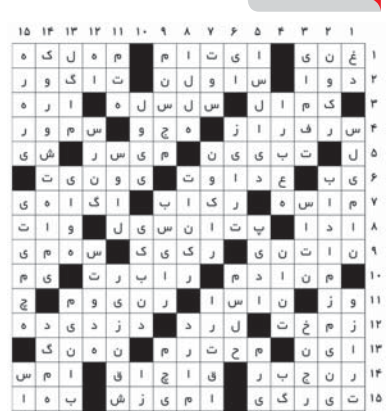

سودوکو سخت ۱۸۶۱

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

		۲	۷		۳	۱		
۵	۷			۲			۴	
۳			۶				۷	
۴			۸	۳		۹		
۶			۱			۴		
۸				۵	۹			۷
	۹		۲		۸			
	۸	۴				۵		
		۳					۱	۸

سودوکو ۱۸۶۱

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۹	۶	۷	۱				
۸		۲	۹		۵			۷
۴	۷			۶	۲			۵
۷		۵	۶	۲				۱
۳		۴	۸			۵		۶
	۶	۹	۱				۳	
	۵		۲		۱			۴
	۲		۴	۸				
		۸		۹	۷			۳